

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه سی و پنجم

موضوع: پاسخ به سوالات

سوال اول: خطائی کردم و توبه کردم از کجا بدانم که توبه من پذیرفته شده است؟

اصولا توبه مردود نداریم؛ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ
الآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

اصولا قرآن با بیان این آیه می خواهد بگوید که این دسته ، توبه دارند و این دسته توبه ندارند... عموم مردم توبه مقبول دارند منتها انسان باید که به توبه برسد؛ توبه پشیمانی از گناه است الی الله ؛ اگر کسی گناهی بکند و توجه به خدا کند و به خاطر خدا از آن کار پشیمان شود، باید مطمئن باشد که توبه اش قبول شده است. پس انسان در درون خودش می تواند به این نتیجه برسد که آیا توبه اش پذیرفته شده است یا نه ؟...

ساعات سعد و نحس چیست و چه جایگاهی دارد و آیا ما چنین چیزی داریم؟ ساعات همه زمانهایی است از خدا لذا ثانیه و ثانیه های آن ارزشمند است؛ و انسان باید که کارهایش را با تدبیر و مشورت و گرفتن نظر کارشناس، انجام دهد(من مطلبی را داخل پرانتز بگویم و این که برخی تا موضوعی پیش می آید به استخاره پناه می برند در صورتی که ما دعوت به استخاره نشده ایم).

در تراث ما راجع به این مسائل ساعات سعد و نحس مسائلی مطرح شده که البته ضابطه مند است و باید به اهل فن مراجعه کرد و البته لفظ نحس که در قرآن آمده صرفا برای اهل جهنم هست که در آتش عذاب اند اما به هر حال ساعاتی هست که انجام برخی اعمال در آنها تاکید و سفارش شده است و بهتر است ولی به هر حال در این باره باید به اهل فن مراجعه کرد. و یک نکته دیگر این که فقط در تراث اسلامی نیست و همه بشریت در ادیان مختلف این بحث را دارند.

اصولا اگر انسان همه چیز را از خدا بداند ، نگاه انسان مهربانانه می شود و نگرش او عوض می شود. با این دیدگاه حتی مصیبت ها را هم من الله می بیند .. بنابراین ایام هم به این شکل باید به آن ها نگاه کنیم و مبادا به آن ها به نوعی بدبین باشیم ...

مجری: سوال شده که برادرانی بودند که ارثی به آن ها رسیده بوده و آنها با توافق هم بدون این که سهم یکی از برادران دیگر را بدهند ارث را میان خود تقسیم کردند والان آن برادر بزرگتر که قبول کرده بود خود، سهم برادر کوچکتر را که سهمی نداشت بدهد، از دنیا رفته است و فرزندان ه هستند، سوال این است که در حال حاضر چه وظیفه ای متوجه این فرزندان است ؟

طبیعتا این مسئولیت متوجه سایرین که از ارث بهره مند هستند ، هست و باید رضایت آن برادر کوچکتر و حتی احیانا فرزندان او را هم به دست بیاورند و ضامن هستند از این بابت. و اگر خواهی داشتند که از این بابت شهادت دروغ داده باید که این ها را راضی کند، و اگر مالی ندارد که به این ها بدهد باید که از خدا

بخواهد که روز قیامت خداوند متعال از ناحیه خودش برادرش را راضی کند که از او بگذرد.. به هر حال اگر بتواند راضی کند و مفسده هم نداشته باشد بسیاری از فقها می گویند که باید برود و فرزندان برادر را راضی کند پس بحث را به این شکل جلو می بریم اولاً اگر مالی از این ها در اختیار دارد که باید برگرداند اگر هم ندارد که پردازد باید که بین خودش و خدای خودش توبه کند و بهتر این است که آن ها را راضی کند.. این امر در واقع یک واجب عقلی است و نه واجب شرعی ..

در بحث قبل به این مطلب رسیدیم که چطور می شود که جامعه نسبت به حق الناس اهتمام می ورزد..

یکی از عوامل اهتمام به کسب حلال است... خدای متعال می فرماید:

يَا أَحْمَدُ، إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ، فَإِنْ أَطِيبَ مَطْعَمُكَ وَ مَشْرَبُكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَ كُنْفِي.

در حدیث معراج آمده است: ای احمد! عبادت ده قسمت است ، که نه قسمت آن طلب روزی حلال می باشد؛ پس، اگر خوراك و نوشید نیت پاك و حلال باشد، در پناه و حمایت من هستی.

به تعبیر علما این قدر این حدیث فاخر هست که سند هم نمی خواهد... بعد که بررسی می کنیم می بینیم که بسیاری از بی حالی ها بسیاری از عدم رغبتها به عبادت از همین لقمه حرام است... اگر لقمه ، لقمه حلال شد، انسان هم انسان دیگری می شود ؛ سیر کار این است غذا تبدیل می شود به جسم و روح و روح تبدیل به عمل و عمل هم تبدیل می شود به انسان .. یعنی اگر به صورت دور نگاه کنیم غذا می شود انسان و انسان می شود غذا... وقتی غذا پاکیزه شد روی جسم و روح اثر می گذارد و جسم و روح هم که پاکیزه شده نتیجه آن عمل صالح می شود .. و در یک تعبیر هم گفتیم که قرآن، انسان را به عمل تعریف می کند؛ لیس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق و المغرب ولكن البر من آمن بالله واليوم الآخر...

وقتی انسان ها دنبال کسب حلال نباشند ارزش ها جابجا می شود.. علم شایستگی ، تعهد و تقوا می رود کنار و هر کس که بتواند بیشتر جمع کند، او جلوتر است ، پست ها دست افراد شایسته قرار نمی گیرد... با این دیدگاه وقتی کسی دنبال روزی حلال است وقتی می بیند که دیگری برای مقام و منصبی که می خواهند به او واگذار کنند، شایسته تر است آن جایگاه را به او محول می کند..

اگر ما این گونه رفتار کنیم آنموقع این دو آیه را درک خواهیم کرد که :

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

و یا : و کلو مما رزقکم الله حلالا طيبا و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون